

دانه زیر برف

دنباله کتاب «نان و شراب»

اینیاتسیو سیلونه
ترجمه مهدی سحابی

www.ketab.ir



Il seme sotto la neve

Preceduto da Vino e pane

Ignazio Silone

Atheneum Publishers



www.ketab.ir

سیلونه، اینیاتسیو، ۱۹۰۰ ~ ۱۹۷۸ م. Silone, Ignazio
دانه زیریرف (کتاب)؛ دنباله کتاب نان و شراب / نوشته اینیاتسیو
سیلونه؛ ترجمه مهدی سجایی.
تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۴.
رومان‌های بزرگ دنیا؛ ۲۱.
۱۸۱۱ ~ ۱۰۰ ~ ۹۶۴ ~ ۹۷۸
فایا
داستان‌های ایتالیایی -- قرن ۲۰ م.
سجایی، مهدی، ۱۳۲۲ ~ ۱۳۸۸، مترجم
PQ۴۸۳۴ / ی۷۵۲۱۳۹۴
۸۵۳ / ۹۱۴
۳۹۱۳۳۷۶

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
فروست:
شابک:
وضعیت فهرست نویسی:
موضوع:
شناسه افزوده:
رده‌بندی کنگره:
رده‌بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

دانه زبر برف
دنباله کتاب «نان و شراب»

اینیاتسیو سیلونه
ترجمه مهدی سبحانی

چاپ اول ۱۳۶۱ ه
چاپ هفتم پاییز ۱۳۹۹ ه ۳۰۰ نسخه ه

مدیر هنری: سعید سعادت ه طرح جلد: Pieter Bruegel ه
صفحه آرایی: معصومه محمدی ه امور چاپ: محمدامین رضایپور ه
چاپ و صحافی: آذین ه

دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی،
تقاطع خیابان سعدی، پلاک ۲
شماره تماس: ۰۲۱۳۳۹۰۰۷۵۱-۲
کد پستی: ۱۱۴۳۸۱۷۸۱۸
amirkabirpub.ir



مقدمه ناشر

دانه زیر برف قاعدتاً باید جلد دوم نان و شراب باشد، زیرا از همان جایی که نان و شراب قطع می شود؛ فرار «پیترو اسپینا» در کوهی که از برف پوشیده شده و کشته شدن «کریستینا» توسط گرگ ها آغاز می شود. نان و شراب داستان مبارزه یک سوسیالیست است علیه فاشیسم. مأموران دولتی در تعقیبش هستند، اگر گرفتار شوند همان، کتک، شکنجه و احتمالاً تیرباران در کار خواهد بود. اما نان و شراب در حالی که فرار ناتمام «پیترو اسپینا» را تصویر می کند، پایان می یابد.

*

دانه زیر برف، داستان همین مبارزه و گریز دائم است. اما نه در هیچ کدام از جهات چهارگانه و نه در سیرپیشین خود، بلکه در عمق روح، سیری در آفاق و اندیشه وجود...

این کتاب از شور گسیخته و دیوانه وار اندیشه ای شیفته و تعالی جو سخن می گوید.

دانه زیر برف، تمثیل آتشفشان خاموشی است که اکنون آرام زیر برف خفته است. تجسم دامنه های ذهنی این سیلان خفته و خروشان است که

سرانجام روزی گدازه‌های بی‌قراری خویش را روانه خواهد کرد. سراسر کتاب جذبه یافتن و کشف بدیهی‌ترین - اما نایافتنی‌ترین مطلق‌های اندیشه است.

و چه طنز سرشاری! راستی این کتاب معیار طنز جهانی را درهم ریخته است و به لبه «طنز»، این شمشیر مقدس بشری چنان گزش و سوزشی بخشیده که تا اعماق قلب را می‌درد. تصویرهای سرپای آن از تاروپود وحدتی منطقی، رنگین و چشم‌نواز بافته شده است.

با این کتاب می‌توان ادعا کرد که دامنه ادبیات - در کاربرد طنز - بسیار وسیع‌تر از آن است که تاکنون می‌اندیشیده‌ایم.

شگفتا! این کتاب به نحوی سابقه‌ای شاد و در عین حال گریه‌آور است.

*

نثر «اینیاتسیو سیلونه»، در خدمت بیان مفاهیم ذهنی و مطلق اندیشه است.

زندگی خود او نیز پراز فرازونشیب بود. زمانی به سوسیالیسم پرداخت و سپس به اندیشه گرایید. سیاست را وسیله‌ای برای بیان مواضع سیاسی خود - یعنی آزادی و رهایی بیرون از حزب برگزید. اندیشه‌ای ناب و وسعت دیدی شگفت و مشربی عرفانی و سرشار از جذبه‌های تأمل دارد. موضوع اغلب کتاب‌هایش مذهب، تعالی و انحطاط جامعه در رابطه با مذهب، فاشیسم، سوسیالیسم، سیاست و بالاخره این همه - یعنی: انسان است.

«سیلونه» یکی از مذهبی‌ترین و در عین حال ضد مذهبی‌ترین نویسندگان ایتالیاست. اما در این دوگانگی اندیشه و عمل حق با اوست. او مذهبی را می‌کوبد که مثل اعلا و منادی آن واتیکان است و پاپ - که به نمایندگی از کلیسا دست در دست فاشیسم دارد.

چگونه می‌توان او را ماتریالیست خواند؟ در حالی که اندیشه‌هایش در اوج

وقت معانی، وسعت و عظمت دید پاک‌ترین قدیسان از خدا پرواز حقیقت مآل‌آمال است. همچنین او «سوسیالیسم» را در بعدی وسیع‌تر و بیرون از زنجیرهای تقید - حزب‌گرایی و آنچه که مخرب فضایل اخلاقی و انسانی است، می‌یابد. بارها گفته بود که «من مسیحی بی‌کلیسا و سوسیالیست بی‌حزب هستم».

مخالفت او با کلیسا بی‌علت نیست - اما از بی‌مذهبی او ناشی نمی‌شود. چون در ایتالیا، این کشوری که هر روز آن به نام یکی از قدیسان مذهبی نام‌گذاری شده - این کشور اعتقادات افراطی که حتی روزی را برای تبرک «الذها» در نظر گرفته‌اند - کمترین نشانی از رشد اخلاقی، تقوای مسیحی، ایثار، تعالی اندیشه، فضایل و کمال‌گرایی روح نیست. پس نقش مذهب در این میان چه شد و داده کلیسا به مردم چه آمد؟ جز آنکه کلیسا عملاً مروج فساد، مغلطه مادی، و سطوحه‌های اخلاقی است. جز آنکه کلیسا مقاطعه‌کار، بانک‌دار، دبیر حزب فاشیسم، دلال جنگ و مروج آدمکشی است؟

اسقف‌ها، کاردینال‌ها و پاپ‌ها - اینان که خود را وارث مسیح می‌دانند و مبلغ اندیشه اویند در واقع در سنگر کلیسا در کمین او نشسته‌اند که تحویل «پونس پیلات» های زمانه «موسولینی» هایش دهند و دیدیم که دادند. آنان که سیلونه را به چشم یک سوسیالیست حزب‌گرا نگاه می‌کنند، لازم است دانه زیر برفش را بخوانند و تحول اندیشه او را در گریز نه تنها از سوسیالیسم بلکه از هر تقید اندیشه - به یک لامکان خیالی - قلمرو شیفگی محض - ملاحظه کنند.

داستان «پیترو اسپینا»، داستان خود «سیلونه» است. این مبارزی که ده‌ها سال از بهترین سال‌های عمرش را وقف مبارزه با فاشیسم کرده و در گروه جوانان سوسیالیست می‌رزد، ناگهان چنان در خود فرومی‌رود و در

خویشتن خویش به نشستی عارفانه می‌نشیند که چله‌نشینان صوامع و زاهدان دیررا یارای این همه تأمل و تفکر در خویش نمی‌ماند.

آنگاه خواننده از خود می‌پرسد «مگر سوسیالیسم با اندیشه این مرد چه کرده است که این طور شیفته‌سان و تندپرواز - همچون عنقای قاف خیال به تفکری بیرون از دیواره‌ها و دامنه‌های روزمرگی جامعه‌اش می‌پردازد و به سیری این چنین ذهنی و درون‌گرایانه می‌نشیند؟

چگونه از یک سوسیالیست بیرون‌گرا مردی عارف و درون‌گرا ساخته می‌شود؟ مردی که در طویلۀ میان کاه و در پرتو نظاره‌الاهی - آن چنان میلادی نوین می‌یابد - که به تولد مسیح شبیه است و آن‌سان در عمق تفکراتش و شراردهای جذبات خویش «جامعه‌زده» می‌شود که بر کمترین روزنه‌ای که نور اجتماع را به درون می‌آورد، چشم می‌بندد؟

سراسر کتاب سرشار از اندیشه‌های مذهبی ناب است. کاوش در خویشتن - در عمق قلب خویشتن، دریافتن و تجلی دوباره مسیح. مسیح که بر قلمرو محبت، فقر، بخشش و ایثار سلطنت دارد. قهرمان اثر و حتی آن آده کرولال نیز تجسم عینی مسیح است. زیرا صلیب رنج خویش را بردوش دارد و در راه تحقق کلمه او یعنی ایمان و عدالت گام برمی‌دارد.

سراسر کتاب بانگ برمی‌دارد که نجات در محبت، فقر، ایمان و مباحثات به فقر است.

این کتاب تندترین جواب «نه» را به حزب‌گرایی‌های سوسیالیسم داده است. به عقیده من کتابی با این وسعت اندیشه - با این بعد عرفانی که در پس منطق کلمه نهان است و آن هم از سوی یک مروج سوسیالیسم (که این کتاب را مانیفست خود می‌داند) رسوایی و فقر مارکسیسم و از همه مهم‌تر پوچی ماتریالیسم را نشان می‌دهد.